

# مقدمه بر اناجیل

Introduction to the Gospels

## تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

June 29, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

## Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,

Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

$\gamma\sigma$

## 1. اناجیل باشکوه ما

هر کسی که ادبیات را مطالعه کرده باشد با رمان، نمایش، شعر و زندگی‌نامه و نیز دیگر آثار و سبک‌های ادبی آشنا است. اما وقتی خداوند ما عیسی مسیح به زمین آمد، مقوله ادبی کاملاً جدیدی مورد نیاز بود که همان انجیل است. اناجیل هر چند شاخصه‌های زندگی‌نامه‌ای پر رنگی دارند اما زندگی‌نامه نیستند. هر چند حاوی مثل‌هایی از قبیل پسر گمشده و سامری نیکو هستند که مانند دیگر داستان‌های ادبی جالب و جذاب‌اند اما داستان نیستند. برخی از مثل‌های انجیل حتی به صورت داستان‌های بلند یا کوتاه بازنویسی شده‌اند. اناجیل گزارش‌های مستند نیستند و با این وجود حاوی روایت‌هایی دقیق اما به وضوح فشرده از گفتگوها و خطابه‌های خداوند ما هستند.

«انجیل» نه تنها مقوله ادبی منحصر به فردی است، بلکه بعد از نگارش چهار انجیل به دست متی، مرقس، لوقا و یوحنا، قالب کتب برحق شکسته شد. چهار انجیل و تنها همین چهار انجیل در این دو هزار سال تاریخ مسیحیت مورد قبول مسیحیان اصیل و اصول‌گرا بوده است. بدعت‌گزاران بسیاری اقدام به نوشتن کتاب‌هایی به نام انجیل کرده‌اند اما تمام آنها ابزارهای بیشرمانه‌ای برای ایجاد و گسترش بدعت‌هایی نظیر آئین گنوسی بوده‌اند.

اما چرا چهار انجیل وجود دارد؟ چرا پنج انجیل نداریم که با پنج کتاب موسی جور دربیاید و به این ترتیب مسیحیان نیز نوعی اسفار خمسه داشته باشند؟ یا چرا تنها یک انجیل طولانی نباشد که در آن موارد تکراری حذف و جا برای ذکر معجزات و مثل‌های بیشتر باز شده باشد؟ در واقع تلاش‌هایی به منظور «هماهنگ ساختن» یا ادغام اناجیل در هم صورت گرفته که ابتدای آن به قرن دوم میلادی می‌رسد که تاتیان اثری به نام دیاتسرون (*Diatessaron*) (واژه‌ای یونانی به معنی هر چهار) به وجود آورد.

یرنائوس وجود چهار انجیل را این گونه بیان می‌کند که چهار انجیل با چهار بخش دنیا و بادهای چهارگانه تطابق دارند و عدد چهار عدد جامعیت و عمومیت است.

## 2. چهار نماد

بسیاری از مردم مخصوصاً هنرمندان، تشبیه چهار انجیل به چهار نماد کتاب حزقیال و مکاشفه یعنی شیر، گاو، انسان و عقاب را پسندیده و تحسین کرده‌اند. به هر حال مسیحیان مختلف این نمادها را به شیوه‌های مختلفی با انجیل مرتبط کرده‌اند. چنان چه برای ارتباط این نمادها با اناجیل اعتباری قائل شویم، کاری که در آثار هنری به چشم می‌خورد، شیر با متی، انجیل پادشاهی شیر یهودا هماهنگی دارد؛ گاو حیوان پرتحمل و زحمتکش با مرقس، انجیل خادم؛ انسان یقیناً چهره کلیدی لوقا، انجیل پسر انسان است.

حتی فرهنگ‌های معادل‌ها و متضادها بیانگر این هستند که عقاب نماد انجیل یوحنا به عنوان مظهر بصیرت روحانی والا می‌باشد.

### 3. چهار قرائت

شاید بهترین توضیح برای وجود چهار انجیل این باشد که روح القدس می‌خواهد پیام بشارت انجیل را به چهار گروه مختلف مردم برساند، چهار گروهی که در دنیای باستان وجود داشت و امروزه نیز به وضوح با همتایان آنها روبرو هستیم.

همه توافق دارند که متی یهودی‌ترین انجیل است، به طوری که حتی خوانندگان مبتدی نیز نقل‌قول‌های متعدد از عهد عتیق، خطابه‌های مفصل، نسب‌نامه خداوند ما و لحن کلی سامی آن را تشخیص می‌دهند.

مرقس که احتمالاً در پایتخت امپراتوری می‌نوشت، رومیان و نیز میلیون‌ها انسانی را خطاب قرار می‌دهد که بیش از تفکر به عمل علاقه دارند. از این رو انجیل وی حاوی معجزات بسیار و مثل‌های اندک است. این انجیل نیازی به ذکر نسب‌نامه نمی‌بیند زیرا رومیان چه اهمیتی به نسب‌نامه‌های یهودیان برای خادمی فعال و پر کار می‌دادند؟

لوقا به وضوح انجیل مخصوص یونانیان و نیز رومیان بسیاری است که هنر و ادبیات یونانی را دوست می‌داشتند و از آن تقلید می‌کردند. چنین مردمانی عاشق زیبایی، کرامت انسانی، فرهنگ و ادبیات والا هستند. لوقای طبیب همه اینها را فراهم می‌سازد. شاید امروزه نزدیکترین همتایان مردم یونان باستان فرانسوی‌ها باشند. جای تعجب نیست که از زبان یک فرانسوی بشنویم که انجیل لوقا «زیباترین کتاب عالم» است (ر.ک مقدمه انجیل لوقا).

کدام گروه برای یوحنا باقی می‌ماند؟ انجیل یوحنا، انجیل جهانی است که برای هر کسی چیزی دارد. هر چند بشارتی است (20:30-31) اما در عین حال محبوب متفکرین مسیحی نیز می‌باشد. شاید کلید موضوع این باشد که یوحنا برای «نسل سوم» است، عنوانی که بت‌پرستان به مسیحیان اولیه داده بودند، چرا که نه یهودی بودند و نه از امتهای.

### 4. دیگر مضامین چهارگانه

چند مضمون چهارگانه دیگر در عهد عتیق وجود دارد که به زیبایی با تأکیدات چهار انجیل مطابقت می‌کنند.

«شاخه» به عنوان لقبی برای خداوند ما در متون زیر یافت می‌شود:

- «... شاخه‌ای برای داود بر پا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده ...» (ارمیا 5:23-6)
- «... بنده خود شاخه را خواهم آورد» (زکریا 3:8)

• «مردی که به شاخه مسمی است» (زکریا 12:6)

• «شاخه خداوند» (اشعیا 2:4)

همچنین چهار «اینک» در عهد عتیق هست که دقیقاً با موضوعات اصلی انجیل مطابقت دارد:

• «اینک پادشاه تو» (زکریا 9:9)

• «اینک بنده من» (اشعیا 1:42)

• «اینک آن مرد» (زکریا 12:6)

• «اینک خدای شما» (اشعیا 9:40)

آخرین توازی هر چند وضوح کمتری دارد اما برای بسیاری باعث برکت بوده است. به نظر می‌رسد چهار رنگ وسایل داخل خیمه اجتماع نیز همراه با معانی نمادین‌شان با معرفی چهارگانه انجیل‌نگاران از خداوند ما مطابقت می‌کنند:

• *ارغوانی*، انتخاب روشن و مناسبی برای متی، انجیل پادشاه است. داوران 26:8 خصلت پادشاهی این رنگ را نشان می‌دهد.

• *قرمز*، در زمانهای قدیم از سائیدن نوعی کرم قرمز رنگ به دست می‌آمد و این می‌تواند معرف مرقس، انجیل خادم رنجور باشد، چنان که در مزمور می‌گوید: «من کرم هستم و انسان نی» (مزمور 6:22).

• *سفید*، از اعمال عادلانه مقدسین سخن می‌گوید (مکاشفه 8:19). لوقا بر انسانیت کامل مسیح تأکید بسیار دارد.

• *آبی*، معرف گنبد کبود رنگی است که آن را آسمان می‌نامیم (خروج 10:24) و نشانه‌ای زیبا از الوهیت مسیح که از نکات کلیدی انجیل یوحنا است.

## 5. ترتیب و تأکید

در انجیل می‌بینیم که وقایع همیشه به ترتیب وقوع آنها روایت نمی‌شوند. بجا است که از ابتدا بدانیم روح خدا غالباً وقایع را طبق تعلیم معنوی نهفته در آنها گروه‌بندی می‌کند. ویلیام کلی (William Kelly) می‌گوید:

همان طور که جلو می‌رویم به وضوح می‌بینیم که انجیل لوقا الزاماً ترتیبی مفهومی دارد و او حقایق، گفتگوها، سوالات، جوابها و موعظه‌های خداوند عیسی را طبق ارتباط درونی آنها طبقه‌بندی کرده است و نه صرفاً بر اساس توالی ظاهری وقایع که در حقیقت ناشیانه‌ترین و بچگانه‌ترین نوع روایت وقایع است. اما جمع‌بندی وقایع بر اساس علل و پیامدهای آنها و طبق ترتیب مفهومی‌شان، وظیفه‌ای بسیار مشکل برای مورخ است تا کار وقایع‌نگار که صرفاً روایتگر اتفاقات است. خدا می‌تواند لوقا را برای انجام شایسته این امر بکار ببرد.

این تأکيدات و روشهای متفاوت ما را یاری می‌دهد تا تنوع موجود در اناجیل را درک کنیم. در حالی که سه انجیل اول، معروف به «اناجیل نظیر» (Synoptics به معنی هم نظر بودن) در روش و برداشت خود نسبت به ندگی عیسی مشابه هستند، انجیل یوحنا در این خصوص با آنها تفاوت دارد. او انجیل خود را دیرتر نوشت و نمی‌خواست چیزی را که قبلاً به خوبی ثبت شده تکرار نماید. انجیل یوحنا زندگی و سخنان خداوند ما عیسی مسیح را با الهیات و تعمق بیشتری ارائه می‌دهد.

## 6. مسئله اناجیل نظیر

با وجود این همه شباهت، تقریباً حتی در مورد بکارگیری کلمات مشابه در متون نسبتاً بلند؛ در عین حال تفاوت‌های بسیاری در میان سه انجیل اول وجود دارد به نحوی که معمولاً از مبحثی تحت عنوان «مشکل اناجیل نظیر» سخن به میان می‌آید. این مسئله بیشتر برای کسانی که الهامی بودن کتب مقدس را رد می‌کنند پیش می‌آید تا مسیحیان محافظه‌کار و سنت‌گرا. فرضیه‌های پیچیده بسیاری ارائه شده که اغلب از اسناد و مدارک گمشده فرضی صحبت می‌کنند که هیچ مستندی در میان نسخ خطی برای آنها وجود ندارد. برخی از این ایده‌ها با لوقا 1:1 جور درمی‌آیند و از دیدگاه اصول‌گرائی ممکن به نظر می‌رسند. به هر حال بعضی از این فرضیه‌ها به جایی رسیده‌اند که می‌گویند کلیسای قرن اول «افسانه‌هایی» راجع به عیسی مسیح را به هم بافته است. دیدگاه‌هایی که این تئوری‌های به اصطلاح «نقادی شکل» ارائه می‌دهند جدا از اینکه بر ضد تمام کتب مقدس مسیحی و تاریخ کلیسا هستند، باید به این نکته اشاره نمود که هیچ دلیل مستندی برای آنها وجود ندارد. به علاوه نمی‌توان دو محقق را یافت که در مورد نحوه دسته‌بندی یا جدا نمودن اناجیل نظیر با هم توافق داشته باشند.

بهترین راه حل برای این مسئله در سخنان خداوند ما در یوحنا 14:26 یافت می‌شود: «لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه را به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد.»

این موضوع توجه ما را به خاطرات شاهدان عینی، متی و یوحنا جلب می‌کند و نیز احتمالاً مرقس، با این فرض که وی همان طور که تاریخ کلیسا می‌گوید خاطرات و موعظه‌های پطرس را ثبت کرده است. علاوه بر این کمک بی‌واسطه روح القدس در نگارش اسناد مکتوب که در لوقا 1:1 ذکر شده، دقت مردمان سامی در بازگوئی روایات شفاهی کم‌نظیر است و همین امر ما را در یافتن جواب مسئله اناجیل نظیر یاری می‌دهد. هر گونه حقیقت، نکته جزئی یا تفسیر ضروری که در ورای این منابع باشد می‌تواند در مکاشفه مستقیم «(در کلامی) که روح القدس تعلیم می‌دهد» آشکار گردد (اول قرن‌نیا 2:13).

بنابراین وقتی با تناقض یا تفاوتی آشکار در جزئیات روبرو می‌شویم بهتر است از خود بپرسیم «چرا این انجیل این واقعه یا سخن را نادیده گرفته، ذکر کرده یا بر آن تأکید نموده است؟» به عنوان مثال متی

روایت شفای دو نفر (از نابینائی و از روح پلید) را جداگانه ذکر نموده، در حالی که مرقس و لوقا هر دو شفا را در مورد یک نفر روایت کرده‌اند. بعضی از منتقدان این موضوع را تناقض می‌دانند. بهتر است به مسئله این طور نگاه کنیم که متی چون انجیل خود را برای یهودیان می‌نوشت از هر دو نفر یاد کرده چرا که طبق شریعت «شهادت دو یا سه نفر» ضروری است، در حالی که برای مثال دو انجیل دیگر نام شخص شفا یافته (بارتیمائوس کور) را ذکر می‌کنند.

آیات منتخب زیر نشان می‌دهند که چگونه بعضی از روایات تکراری در انجیل، حاوی تفاوت‌های مهمی هستند:

لوقا 20:6-23 ظاهراً تکرار موعظه روی کوه در انجیل متی است، اما در حقیقت محل این واقعه نه بر کوه بلکه در دشت بوده است (لوقا 17:6). خوشا به حال‌ها در متی بیانگر شخصیت شهروند ایده‌آل ملکوت هستند، در حالی که لوقا روش زندگی شاگردان مسیح را بیان می‌کند.

لوقا 6:40 در ظاهر شبیه متی 24:10 است. اما در متی، عیسی به عنوان استاد و ما چون شاگردان او معرفی شده‌ایم. در لوقا، تعلیم دهنده استاد است و کسی که از او تعلیم می‌گیرد شاگرد می‌باشد. متی 7:22 بر خدمت به پادشاه تأکید می‌کند، در حالی که لوقا 13:25-27 از مشارکت با استاد سخن می‌گوید.

در حالی که لوقا 4:15-7 جواب اتهام سنگین فریسیان است، متی 12:18-13 از فرزندان و محبت خدا به آنها سخن می‌گوید.

وقتی تنها ایمان‌داران حضور داشتند، یحیی می‌گوید: «او شما را به روح‌القدس تعمید خواهد داد» (مرقس 1:8؛ یوحنا 1:33)، اما هنگامی که جمعیتی زیاد از جمله فریسیان بودند این طور می‌گوید: «او شما را به روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد» (تعمید داوری؛ متی 3:11؛ لوقا 3:16).

عبارت «به همان پیمان‌های که می‌پیمائید...» در متی 7:2 به دیدگاه داوری کننده ما نسبت به دیگران اشاره می‌کند، در مرقس 4:24 به درک ما از کلام، و در لوقا 6:38 به سخاوت و بخشندگی ما.

پس این تفاوتها نه تناقض، بلکه عمدی و هدفمند هستند و غذای روحانی برای ایمان‌داران عمیق به جهت تعمق و تفکر را فراهم می‌سازند.

## 7. نگارش و تألیف کتب

در بحث اینکه چه کسانی انجیل را نوشته‌اند، تقسیم کردن شواهد و مدارک به دو گروه شواهد بیرونی و درونی کاری بسیار معمول و متعارف است و این موضوع در خصوص تمام نوشته‌های کتاب‌مقدس مصداق دارد. در فصول مربوط به تمامی بیست و هفت کتاب عهد جدید همین کار را نیز می‌کنیم. در بخشی که تحت عنوان شواهد خارجی ارائه می‌شود، به نویسندگان معاصر دوران نگارش کتاب و کلاً به

«پدران کلیسا» در قرون دوم و سوم و نیز برخی بدعتگزاران یا معلمان دروغین اشاره می‌گردد. در آثار این افراد نقل قولها، اشارات و گاهی مطالبی خاص درباره کتابها و نویسندگان آنها به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، چنانچه کلمنت اهل روم که تقریباً در اواخر قرن اول می‌زیست نقل قولی از اول قرن‌تینان کرده باشد یقیناً این کتاب نمی‌تواند اثری جعلی متعلق به قرن دوم و تحت نام پولس باشد. در بخش مربوط به شواهد درونی، به سبک، واژگان، تاریخ و محتوای کتاب توجه می‌کنیم که ببینیم آیا این عوامل با شواهد خارجی یا ادعای نویسندگان دیگر مطابقت دارد یا آنها را نقض می‌کند. مثلاً سبک انجیل لوقا و اعمال رسولان مؤید این دیدگاه است که نویسنده، پزشک فرهیخته غیر یهودی بوده است.

در بسیاری کتابها فهرست کتب مورد قبول مارسیون، بدعتگزار قرن دوم ذکر شده است. او تنها نسخه‌ای کوتاه از انجیل لوقا و ده رساله از رسالات پولس را قبول داشت، اما با این وجود وی شاهد مفیدی بر این نکته است که کدام کتابها در زمان او معیار و مورد پذیرش بوده‌اند. فهرست موراتوری (برگرفته از نام کاردینالی ایتالیائی که اسناد مذکور را یافت) فهرستی اصیل و حقیقی از کتب قانونی و برحق مسیحی است، هر چند این اسناد به صورت کامل یافت نشده‌اند.